



کارکردهای مردمی شعر حافظ

دکتر حسن ذوالفقاری

عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس تهران



حافظ، پیش از آنکه شاعر خواص باشد، شاعر محبوب مردم است و مردم از شعرا و به مناسبت‌های مختلف بهره می‌گیرند. غزل حافظ را هر ایرانی به دلیل یا مناسبتی خواننده است و آشناترین اشعار نزد مردم است. شاید کمتر شاعر جهانی، این مایه توفیق نصیبش شده باشد. در خانه‌ی هر ایرانی، حتماً، نسخه‌ای از دیوان او هست و نزد مردم به «لسان الغیب» شهرت دارد؛ زیرا به اعتقاد آنان از عالم غیب خبر می‌دهد و از این روست که با اشعار او فال می‌گیرند و از روحش، تمنای گشایش دارند. سؤال این است: مردم در چه هنگام، از شعر حافظ و کجا و برای چه مقصودی بهره می‌گیرند؟

مردم در موارد زیر از شعر حافظ بهره می‌گیرند:

۱. گرفتن فال

فال‌نامه‌های منتشرشده از حافظ، برابر یا بیش از دیوان او است. تفال به شعر حافظ، سنتی فراگیر و ملی است. نخستین کسی که به تفال زدن به دیوان حافظ اشاره می‌کند، ابوبکر طهرانی، مؤلف کتاب دیار بکر که در سال ۸۶۷ق است. حافظ نیز، خود به فال باور دارد:

به ناامیدی از این در مرو، بزن فالی
بود که قرعه‌ی دولت به نام ما افتد
روز هجران و شب فرقت یار آخر شد
زدم این فال و گذشت اختر و کار آخر شد

اما چرا مردم به شعر حافظ تفال می‌زنند؟

ویژگی آینگی، چندپهلویی و ایهام‌مداری، منشوری و چندمعنایی بودن اشعار حافظ و اینکه هربار به خوانش‌های تازه و معانی و کشف‌های نو از شعر او می‌رسیم، باعث می‌شود هرکس بتواند مقصود خود را از کلام قدسی او بیابد. شکل‌پذیری شعر حافظ و آب‌گونگی آن، باعث می‌شود به رنگ و شکل ذهن خواننده‌اش درآید. از طرفی، شعر حافظ انسانی و جهانی است. تراکم معنایی و مفهومی و واژگانی آن چنان است که شعرش را به کلام جامع تبدیل کرده و از جنس وحی شده است. همه‌ی ابیاتش بیت‌الغزل معرفت است. او را لسان الغیب و ترجمان‌الاسرار می‌دانیم. تقدس و روحانیت حافظ نزد مردم چنان است که دیوانش را کنار قرآن، در طاقچه‌ی

خانه‌هایشان می‌نهند. شاید هم، حافظ قرآن بودن حافظ، شأن دیوانش را تا قرآن که بدان استخاره می‌گیرند، بالا می‌برد. حافظ از جنس مردم است و سخنش، رنگ نیازها و خواسته‌های آنان دارد. او قبل از آنکه انسان کامل باشد، کاملاً، انسان است. بی دلیل نیست صدها مصرع و بیت او در زبان مردم ضرب‌المثل شده است. انس مردم با دیوان حافظ و مکتب‌خانه‌ای بودن آن، همه‌وهمه، دلیل این تفال است؛ تفال که اکنون به سنت تبدیل شده است.

در فرهنگ عامه، داستان‌هایی فراوان از تفال به دیوان حافظ شهرت دارد. معروف است هنگام دفن وی در قبرستان مسلمانان، میان متعصبان و مدافعان وی نزاع درمی‌گیرد. سرانجام، تفال می‌زنند و این بیت می‌آید:

قدم دریغ مدار از جنازه‌ی حافظ

که گرچه غرق گناه است، می‌رود به بهشت

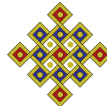
معروف است یکی از شخصیت‌های نیکوکار در شیراز از دنیا رفت. جنازه‌ی او را برداشتند تا طبق وصیتش، در حافظیه (کنار قبر حافظ) دفن کنند، به دیوان حافظ فال زدند تا ببینند آیا حافظ راضی است یا نه. این شعر آمد:

رواق منظر چشم من آشیانه‌ی توست

کرم نما و فرودآ که خانه، خانه‌ی توست

امروزه، صدها وبگاه آنلاین (برخط)، جای فال‌نامه‌های قدیم را گرفته است.

۲. استفاده از مصرع‌های بیتی از حافظ به عنوان ضرب‌المثل





دیوان حافظ و قرآن کریم را در خانه‌ی هر ایرانی می‌یابیم. این تقارن و همسایگی و هم‌طاقچگی مبارک قرآن و دیوان حافظ، بر ذهن و زبان و گفتار و کردار ایرانیان تأثیری ژرف نهاده است. حافظ، حافظه‌ی مردم ایران و بیت‌بیت دیوانش، بیت‌الغزل زندگی مردم است. الفتی که عامه با غزل‌های وی دارند، ایباتی بی‌شمار را از دیوان حافظ ضرب‌المثل کرده و بر زبان‌ها انداخته است. بیش از هفت صد بیت یا مصرع او بر زبان عام و خاص افتاده است. گاه، مردم در امثال حافظ تصرف کرده و برخی ایبات معروف را به شکلی دیگر به کار برده‌اند؛ مثل

مردم: با آشنا سخن آشنا بگو

حافظ: «با یار آشنا سخن آشنا بگو» (دیوان، ص ۲۸۷)

مردم: تو چه دانی قلم صنع به نامت چه نوشت؟

حافظ: «که آگه است که تقدیر بر سرش چه نوشت؟»

(دیوان، ص ۵۵)

مردم: دستی از غیب برون آید و کاری بکند

حافظ: «مردی از خویش برون آید و کاری بکند»

(دیوان، ص ۱۲۸)

مردم: عیب او جمله بگفتی، هنرش نیز بگو

حافظ: «عیب می جمله چو گفتی، هنرش نیز بگو»

(دیوان، ص ۲۲۷)

مردم: هر آنچه کرد آشنا کرد

حافظ: «که با من هر چه کرد، آن آشنا کرد» (دیوان،

ص ۸۹)

مردم: هم ناگفته می‌دانی و هم ننوشته می‌خوانی

حافظ: «که هم نادیده می‌بینی و هم ننوشته

می‌خوانی» (دیوان، ص ۳۳۶)

مردم: کار امروز به فردا مفکن

حافظ: «ساقیا عشرت امروز به فردا مفکن» (دیوان،

ص ۳۶۰)

حتی مردم برای برخی از امثال حافظ، داستانی نیز ساخته‌اند؛ مانند «اگر رفیق شفیقی، درست‌پیمان باش» (دیوان، ص ۱۸۵) و «هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق» (دیوان، ص ۹) که در جامع‌التمثیل داستان آن آمده است^۱ یا بیت «ای مگس، عرصه‌ی سیمرغ نه جولانگه توست» (دیوان، ص ۳۱۳) که داستان آن مشهور است. شاه‌اسماعیل صفوی که برای اتحاد عالم تشیع، درصدد انهدام قبور اهل تسنن بود، موقعی که به شیراز وارد گردید، در اثر جبر و اصرار ملامگس نامی، ناچار شد که درصدد تحقیق عقاید حافظ برآید. بالآخره، متوسل به تفال از دیوان خواجه شد، این غزل آمد:

جوزا سحر نهاد حمایل برابرم

یعنی غلام شاهم و سوگند می خورم

شاه‌اسماعیل از انهدام قبر خواجه خودداری می‌نماید؛

اما ملامگس، مُصر می‌شود. مجدداً، تفال می‌زند که غزل

۱. حبله رودی. جامع‌التمثیل. ص ۳۹۶ و ۶۲

فوق می‌آید که این مصرع در آن است: ای مگس، حضرت سیمرغ نه جولانگه توست^۲.

برای بیت «غزه مشو که گریه‌ی عابد (زاهد) نماز کرد» (دیوان، ص ۲۸۹) داستانی نقل کرده‌اند^۳ و بیت «یارب، مباد آنکه گدا معتبر شود» (دیوان، ص ۱۵۳) که داستان آن در ریحانة‌الادب آمده است^۴.

۳. خواندن دیوان حافظ در مکتب‌خانه‌ها

کودکان، پس از یادگیری روخوانی قرآن، برخی، از ادامه‌ی تحصیل خودداری می‌کردند و به مشاغل پدری روی می‌آوردند و تعدادی کم از آن‌ها هم، به درس خود ادامه می‌دادند که در این مرحله، یادگیری کتب «فارسی» شروع می‌شد. هر شاگرد، هر کتابی را که در منزل داشت، به مکتب‌خانه می‌آورد یا معلم، بنابر علایق خود، متنی را انتخاب می‌کرد. در این هنگام، آموزش، ابتدا، از خواندن کتب کم‌حجم، مانند موش‌وگره، عاق والدین، حسن و حسین، چهل طوطی و حیدریگ، شروع و سپس، کتب حجیم دیگری، مانند جودی، جوهری و دواوین سعدی، حافظ و حمله‌ی حیدری، خوانده می‌شد؛ اما با همه‌ی روانی و شیرینی شعر حافظ، فرارگرفتن و خواندن نخستین غزل آن، بسی دشوار بود. پس از یادگیری حافظ، نوبت به گلستان سعدی می‌رسید. یادگیری گلستان سعدی برای شاگردی که حافظ را خوب یاد گرفته بود، آسان بود؛ البته، گاه، دیوان حافظ را پس از گلستان و بوستان سعدی می‌خواندند. محسنای شیرازی، از شاعران عصر صفوی، می‌نویسد: سواد خواندنی اطفال از گلستان است^۵. کودکان پس از این دو، دیوان حافظ را می‌خواندند^۶. «ملای مکتبی به بچه‌مکتبی‌ها، پس از آموزش قرآن کریم، اشعار حافظ را می‌آموخت. در نظر عامه‌ی مردم دهات و شهرهای سنتی، باسواد کسی بود که بتواند گلستان سعدی و دیوان حافظ را درست و روان بخواند»^۷.

۴. حافظ خوانی در محافل و شب‌های زمستان

یکی از سنت‌های دیرین در ایران، خواندن کتاب‌های معروف ملی و دینی و تربیتی، در محافل خانوادگی و مجالس رسمی، در ایام جشن و شادمانی، مثل یلدا و

۲. کاوشی در امثال و حکم فارسی، ص ۱۱۱

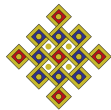
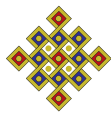
۳. داستان‌های امثال، ص ۲۰۷؛ تمثیل و مثل، ج ۲، ص ۱۶۴؛ مجله‌ی سخن، ش ۵، ص ۳، صص ۳۸۵ تا ۳۸۷ و داستان‌نامه‌ی بهمنیاری یا برگرفته از کلیله و دمنه، صص ۲۰۵ تا ۲۰۸

۴. ریحانة‌الادب، ج ۱

۵. نصرآبادی اصفهانی. تذکره نصرآبادی. ص ۳۸۳

۶. الثاریوس، ۶۱۳، به نقل از: گلشنی. «تشکیلات آموزشی ایران در دوره‌ی صفویه». مجله‌ی خرد و کوشش، ص ۸۷

۷. روح‌الامینی. به شاخ نباتت قسم؛ باورهای عامیانه درباره‌ی فال حافظ. ص ۲۷



نوروز و شب‌های دراز زمستان یا هنگام ماتم، مثل محرم یا در ماه‌های رمضان بوده است. مردم اشعار حافظ را جز مکتب‌خانه، در شب‌های دراز زمستان و یلدا و نوروز هم می‌خواندند. از دیرباز، اهل دل، در محافل خصوصی، حافظ‌خوانی با شرح و تفسیر آن برقرار می‌کردند. در سفره‌ی هفت سین ایرانی، کنار قرآن، دیوان حافظ جای می‌گیرد و زینت‌بخش سفره است. اغلب، سال نو را با اشعاری از حافظ آغاز می‌کنند.

۵. استفاده از شعر حافظ در آواها

آهنگ‌سازان یا خوانندگان، ابتدا، به سراغ غزل حافظ می‌روند. در میان آواها و تصنیف‌های استادانی چون تاج اصفهانی، غلام‌حسین بنان، حسین قوامی، عبدالوهاب شهیدی، اکبر گلپایگانی، حسین خواجه‌امیری، محمدرضا شجریان، علیرضا افتخاری، علی رستمیان، شهرام ناظری، حسام‌الدین سراج، ایرج بسطامی، علی‌اصغر شاهزیدی، مظفر شفیعی، قاسم رفعتی، علی جهاندار و بسیاری دیگر از نامداران آواز ایران، آثاری درخشان و خاطره‌انگیز وجود دارد که شعر آن‌ها از حافظ است. این انتخاب، چند دلیل داشته است: علاقه‌ی ویژه‌ی مردم و آشنایی کامل حافظ با موسیقی ایرانی که امکان و شرایط آوازی را برای آهنگ‌ساز و خواننده فراهم می‌آورد و به اصطلاح، لحن‌پذیر است. از سویی، به شعر حافظ هم، «قول» اطلاق می‌شود و هم، «غزل»؛ «قول» را باید قوالان بخوانند و با لحن اجرا کنند. نشان آشنایی حافظ با موسیقی، کاربرد وزن‌های گوناگون است که این تنوع وزن و ریتم و مفهوم در غزل‌های او باعث می‌شود آوازخوانان و خوانندگان، بتوانند حتی برای گوشه‌های مختلف یک دستگاه یا آواز، به راحتی، شعر مورد نظر خود و متناسب با آن گوشه را از غزل‌های حافظ بیابند.

۶. استفاده از اشعار حافظ در مشاعره

یکی از سنت‌های مردمی و سرگرمی‌های آنان، مشاعره بوده و هست. مُشاعره، مسابقه‌ی شعرخوانی از حفظ است. هر یک از افراد، بیتی را از حفظ می‌خواند و نفر بعد، باید شعر خویش را با آخرین حرف آن بیت آغاز کند. شاید، بیشترین ابیاتی که میان افراد ردوبدل می‌شود، اشعار حافظ باشد.

۷. استفاده از غزل‌های عرفانی حافظ در

مناجات خوانی ماه رمضان

اشعار مناجات در میان مردم و در موقعیت‌های گوناگون و اغلب، در ماه رمضان خوانده می‌شود.

مناجات‌خوانی، بیشترین، در ماه رمضان و در قالب سحرخوانی، شب‌خوانی یا شوخونیه، گلدسته‌خوانی، سحرآوازی یا گم‌سحری، پامنقلی، پیش‌خوانی، دم‌دم سحری و با صدای خوش مناجات‌خوان‌ها خوانده

می‌شود. اشعار مناجات، قطعاتی از شاعران نامور ادب فارسی به آواز خوش است. مناجات‌خوان‌ها از اشعار شاعران بزرگ، چون: حافظ، سعدی، سنایی و مولوی و مناجات‌خمسه، مناجات‌نامه‌ی خواجه‌عبدالله انصاری و رباعیات ابوسعید ابوالخیر و عرفای دیگر می‌خواندند.

۸. استفاده‌ی مرشدان در زورخانه‌ها از اشعار حافظ

اشعار زورخانه‌ای را مرشد، هنگام اجرای ورزش باستانی در زورخانه می‌خواند. خواندن این اشعار با نواختن ساز تنبک و زنگ همراه است و به‌عنوان یکی از ارکان اصلی و اثرگذار اجرای حرکات‌های ورزش باستانی قلمداد می‌شود. تسلط مرشد بر مناسب‌خوانی و مناسب‌نوازی، باعث می‌شود تا او، برای هر مرحله، از اشعار شاعرانی خاص استفاده کند. از نظر محتوا و مضمون، این اشعار شامل حمد و ثنای ذات احدیت و مدح حضرت محمد (ص) و امام علی (ع)، ذکر رزم‌آوری و دل‌آوری‌های قهرمانان اسطوره‌ای ایران، از شاهنامه، اشعار حکمی و پندآموز از شاعران متصوف و عارف، همچون مولانا جلال‌الدین، حافظ و سعدی است.

۹. طنزآفرینی نقیضه‌سازان با اشعار حافظ

نقیضه یا پارودی، نظیره‌ی طنزآمیز و تقلید طنزگونه از یک اثر هنری دیگر است^۸. نقیضه، در مواردی، به قصد استهزا و نقد اثر ساخته می‌شود و در مواقعی، تنها هدف، خندانند است؛ مثل دیوان و منظومه‌ی کنزالاشتها، سروده‌ی شیخ ابواسحاق اطعمه (۸۲۷ق) که عده‌ای از شعرا از روش او تبعیت کردند؛ از جمله، نظام‌الدین احمد اطعمه (متوفی ۸۶۲ق)؛ تقی دانش، معروف به ضیاء لشکر (متوفی ۱۳۲۶ش)، در دیوان حکیم سوری؛ بسمل شیرازی (متوفی ۱۲۴۷ق)؛ میرزا عبدالله گرجی اصفهانی (متوفی ۱۲۸۹ق)، در دیوان میرزااشتها و میرزا حبیب اصفهانی. نقیضه‌های شعری، اغلب، از شعر حافظ است؛ زیرا شعر مورد نقیضه باید معروف و برای مردم آشنا باشد.

بوی کباب می‌رسد از مطبخم به دل

پیغام آشنا نفس روح‌پرور است

شاعران معاصر هم، با شعر حافظ شوخی‌ها کرده‌اند:

به آب روشن می‌عارفی طهارت کرد

و رفته‌رفته به این کار زشت عادت کرد!

(ناصر فیض)

برقی از منزل لیلی بدرخشید سحر

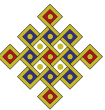
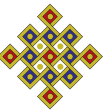
لیلی آمد دم در، گفت: بیا برق آمد!

(ناصر فیض)

مدعی خواست که آید به تماشاگاه راز

خانمش زنگ زد و گفت شلوغ است نرو

۸. نک: اخوان ثالث. (۱۳۷۴). نقیضه و نقیضه‌سازان. تهران: زمستان.



(سعید بیابانکی)

منم که شهره‌ی شهرم به عشق ورزیدن
ولی قیافه‌ی من می‌خورد به معتادان

(سعید بیابانکی)

نگار من که به مکتب نرفت و خط نوشت
چطور یک شبه حکم ریاستش آمد؟!؟

(روح‌الله احمدی)

۱۰. استفاده از اشعار حافظ در خیام خوانی

خیام خوانی یا «خیامی»، از جمله‌ی موسیقی نواحی ایران و رایج در بوشهر است که در بزم‌ها و مجالس عروسی، حناپندان، ختنه‌سوران و دیگر مجالس شادی، اجرا می‌شده است و هنوز هم، در برخی مناطق، اجرا می‌شود. نواخوانان بوشهری، رباعیات خیام را با نواهای محلی می‌خوانند. محفل خیامی، با آواز شروع می‌شود و اغلب، اشعاری از حافظ را برای این مقدمه انتخاب می‌کنند. مردم، بیش‌ترین، از اشعار حافظ برای گورنگاره‌های عزیزان خود انتخاب می‌کنند. مضمون اشعار مورد استفاده، اغلب، اندرز و یاد مرگ و از این قبیل است.

۱۱. استفاده از اشعار حافظ در دیوارنوشته‌ها، یادگارنوشته‌ها، کتیبه‌ها و شیء نگاری‌ها

یادگارنویسی، نوشتن جمله‌هایی، معمولاً، موجز، حاوی نکات مؤثر، هشداردهنده و عاطفی بر دیوارها و درختان و مکان‌هاست. یادگارنویسی، درست یا نادرست، روی درختان، اسکناس، درودیوارها، دیوار بناهای تاریخی و نقاط در دیدرس صورت می‌گیرد. در تعدادی زیاد از این یادگارنوشته‌ها، اشعار حافظ با امضای نویسنده نقر شده است؛ همچنین، در کتیبه‌های آثار تاریخی، جز آیات قرآنی و احادیث معروف، اشعار زیبای شاعران و عارفانی مانند حافظ، سعدی، جامی و عطار حک شده است. این شعر بر دیواری در زندان «قصر» نوشته شده است:

چرخ گردون گرد و روزی بر مراد ما نرفت
دائماً یکسان نباشد حال دوران غم مخور^۹

۱۲. استفاده از اشعار حافظ در تابلوهای خطاطی و خوش‌نویسی

خطاطان و خوش‌نویسان نیز، اغلب، با استفاده از اشعار حافظ، تابلوهایی زیبا آفریده‌اند. یکی از راه‌های درآمد این تابلوسازان، فروش این‌گونه خوش‌نویسی‌هاست. در خانه‌ها نیز، مردم می‌کوشند این تابلوهای زیبا را نصب کنند.

۱۳. استفاده از اشعار حافظ در ماشین‌نوشته‌ها

بخشی از ادبیات عامه، نوشته‌های روی خودروهاست که متعلق به ادبیات جاده‌ای است. این نوشته‌ها شامل اشعار و عبارتهایی از شاعران یا نقیضه‌ی اشعار یا برساخته‌ی رانندگان است. بنابر پژوهشی، بیشترین اشعار جاده‌ای متعلق به حافظ است^{۱۰}. این شعر حافظ را پشت کامیونی دیدم:

شب و ظلمت و بیابان به کجا توان رسیدن
مگر آنکه شمع رویت به رهم چراغ دارد

۱۴. استفاده از اشعار حافظ در گورنگاره‌ها

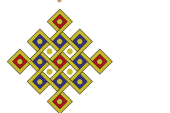
مردم از اشعار حافظ در سنگ قبرها نیز، بسیار استفاده می‌کنند. مناسبت اشعار عرفانی حافظ با مفاهیمی چون ناگزیری از مرگ، بی‌وفایی دنیا، تلخی مرگ، حقیقت آن، تأسف از مرگ عزیزان، بی‌اعتباری دنیا و نظایر آن است.

منابع

- اخوان ثالث، مهدی. (۱۳۷۴). نقیضه و نقیضه‌سازان. تهران: زمستان.
- الثاریوس، آدام. (۱۳۸۵). سفرنامه‌ی آدام الثاریوس. ترجمه‌ی احمد بهپور. تهران: ابتکار نو.
- بهمنیاری، احمد. (۱۳۸۱). داستان‌نامه‌ی بهمنیاری. به‌کوشش فریدون بهمنیار. انتشارات: دانشگاه تهران.
- حافظ، خواجه شمس‌الدین محمد. (۱۳۷۰). دیوان. تصحیح قاسم غنی و علامه محمد قزوینی. تهران: زوار.
- حبلمه‌رودی، محمدعلی. (۱۳۸۹). جامع‌التمثیل. تصحیح حسن ذوالفقاری. تهران: معین.
- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۸۴). داستان‌های امثال. تهران: انتشارات مازیار.
- روح‌الامینی، محمود. (۱۳۶۹). به شاخ نباتت قسم؛ باورهای عامیانه درباره‌ی فال حافظ. تهران: پاژنگ.
- گلشنی، عبدالکریم. (۱۳۴۹). «تشکیلات آموزشی ایران در دوره‌ی صفویه». مجله‌ی خرد و کوشش، ش ۵، صص ۴ تا ۵۶ و ش ۶، صص ۳۲۴ تا ۳۳۱.
- مدرس تبریزی، محمدعلی. (۱۳۷۴). ریحانه‌ی الادب. تهران: خیتام.
- نصرآبادی اصفهانی، محمدطاهر. (۱۳۷۸). تذکره نصرآبادی. به تصحیح محسن ناجی نصرآبادی. تهران: اساطیر.
- نصرالله منشی. (۱۳۶۵). کلیله و دمنه. تصحیح مجتبی مینوی. تهران: امیرکبیر.
- وکیلیان، سیداحمد. (۱۳۷۵). تمثیل و مثل. تهران: سروش.
- هاشمی، پریناز. (۱۳۸۸). دیوارنوشته‌های زندان قصر. تهران: چشمه.

۱۰. جعفری فنوتاتی. دانشنامه‌ی فرهنگ مردم. ج ۱. ص ۲۹۸

۹. هاشمی. دیوارنوشته‌های زندان قصر. ص ۵۰



تابلستان هزار و سیصد و نود و نه
شماره ششم

